

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا ۵۷۴

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۸ خرداد ۱۳۹۰، ۸ ژوئن ۲۰۱۱

سردبیر: عبدال گلپریان

## بیست ژوئن در سراسر جهان به خیابان میرویم و علیه حکومت جنایتکار اسلامی اعتراض میکنیم.

اسلامی است. در عین حال این روزها سالگرد خیزش عظیم مردم ایران علیه حکومت جنایت و کشتار اسلامی و سالگرد به خون غلظیدن نداها و سهراب ها است و در حال حاضر هزاران زندانی سیاسی، اسیر این حکومت پلید و اسیر لجن های اسلامی هستند و مورد تحقیر و بیحرمتی و شکنجه و اعدام قرار میگیرند. روز بیست

کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار از همگان دعوت میکند که در روز بیست ژوئن در هر جایی که هستند، به خیابان رفته و صدای اعتراض و نفرت خود را علیه حکومت اسلامی، علیه اعدام و سنگسار و برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی رسانند.

۲۰ ژوئن (سی خرداد)  
سالگرد نسل کشی و هالوکاست

صفحه ۲

## بار دیگر صدای کارگران ایران در کنفرانس سازمان جهانی کار طنین انداخت

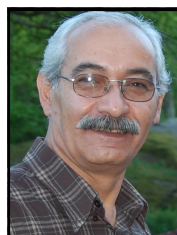


سازمان و آزادی فوری کارگران زندانی در ایران شدند. امسال سازمان جهانی کار بیش از گذشته دست به تمهیدات امنیتی زده بود که جلو حضور فعالین حزب کمونیست کارگری را

صبح روز اول جون ۲۰۱۱ برای ششمین سال متوالی فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در اولین روز شروع کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار در ژنو در این کنفرانس حضور یافتند و خواهان اخراج جمهوری اسلامی از این

صفحه ۳

## در باره شکل و سازماندهی مصاحبه ایسکرا با عبدال گلپریان



سازمانیافته و متشکل به میدان بیایند و از آنجا که انسان بطور اجتماعی زندگی می کند، برای دست یابی به حقوق پایمال شده خود به حرکت های اجتماعی و سازمانیافته و هدفمند نیاز دارد و به آن روی می آورد. این قانونمندی زندگی و مبارزه بشر است.

سازمانیافته همین است. حزب را برای چنین تلاشها و چنین روزهایی ساخته ایم. سازماندهی و سازمانیافته ظاهر شدن در عرصه های مختلف مبارزه و برای پیشبرد و به موفقیت رساندن جنبشهای اجتماعی، یک رکن دائمی و اساسی کار ما و فعالین و رهبران این جنبشهاست و ما به مثابه یک حزب

صفحه ۲

بنا به اهمیت و مبرمیت امر سازماندهی در محلات، این مصاحبه را در این شماره ایسکرا مجددا چاپ کردیم. ایسکرا

منصور فرزاد: چرا باید همواره بر رشد و اتحاد مبارزاتی مردم در جامعه و بویژه مسئله سازماندهی تاکید گذاشت و اساسا منظور از سازماندهی چیست؟

عبدال گلپریان: در هر گوشه ای از دنیای نابرابر امروز مردم برای گرفتن حق پایمال شده خود و رسیدن به خواست و آرزوهایشان، ناچارند که

## کارگران کمونیست چه میگویند

منصور حکمت

صفحه ۴

قتل یک دختر ۱۵ ساله به دست پدرش در سندج

صفحه ۳

وضعیت وخیم جسمانی یکی از فعالین اجتماعی در زندان سندج

صفحه ۵

اعتصاب غذای سه زندانی سیاسی در زندان رجایی شهر

صفحه ۵

منصور اساتلو از زندان آزاد شد

صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ در باره شکل و ...

سیاسی در به سرانجام رسانیدن این تلاش مدام در هر شرایطی بر این رکن تاکید داشته ایم. فرقی نمیکنند که در چه شرایط و در چه اوضاع سیاسی خاصی بسر می بریم. چه در مقاطعی که اعتراض و مبارزه مردم افت مقطعی داشته باشد و چه در شرایط انقلابی همچون دوره حاضر که یک حکومت ضد بشری همچون رژیم اسلامی با چنگ و دندان دارد برای جلوگیری از سقوط خود به هر جنایتی دست می زند.

از این رو در اوضاع سیاسی و انقلابی امروز مسئله سازماندهی اهمیت صد چندان پیدا می کند. در جدالی که مابین بخشهای مختلف مردم از یک سو و از سوی دیگر رژیم اسلامی در جریان است، امر سازماندهی و متشکل عمل کردن می تواند مبارزه را برای رساندن به هدف پیروز کند.

شما حرکت و اعتراض دسته جمعی کارگران را در نظر بگیرید، با تمام توان می کوشند تشکیلی که تازه از نظر دولت قانونی نیست را برپا کنند، فعالینی جلو می افتند و تلاش می کنند تا بقیه را بر بستر امر مشترک خود دور هم جمع کنند. اعتصاب راه می اندازند، تجمع برپا می کنند و در موارد زیادی با نیروهای سرکوبگر حکومت درگیر می شوند. با زندان، جریمه، وثیقه، شلاق و دهها توهین و بی حرمتی از جانب نهادهای دولتی و کارفرمایان روبرو می شوند. رهبران هر حرکت اعتراضی که نقش مهم و کلیدی بر عهده دارند، همیشه در تلاشند که نیروی بیشتری، با صدای اعتراضی واحد و یکدست تری را سازمان داده و متشکل کنند. این کار سبب می شود که دولت، کارفرما و نیروهای سرکوبگرشان به خواست و مطالبات مطرح شده توسط کارگران گردن نهند. به هر اندازه که توده هر چه بیشتری از کارگران در یک حرکت اعتراضی شرکت کنند و حتی خانواده های کارگری شرکت وسیع و

فعال داشته باشند، آن حرکت و اعتراض معین منجر به عقب نشینی دولت و کارفرمایان و پیروزی کارگران خواهد شد. در طول حاکمیت رژیم اسلامی، در موارد بسیاری ما شاهد این موفقیتها بوده ایم. اما چنانکه اشاره کردم باید

فعالین و رهبران حرکتیهای اعتراضی و برای دست یابی به موفقیتهای بیشتر و بزرگتر، امر سازماندهی را مدام در دستور کار خود داشته باشند. ایجاد شبکه های مختلف و داشتن تعریف روشن از آن، باید بتواند کارگران یک بخش تولیدی و یا چند کارخانه را همانند یک ساختار سازمانی بسازد. از شبکه های خیر رسانی گرفته تا ایجاد زنجیره ارتباطاتی مابین تمام کارگران، ایجاد پیوند نزدیک میان خانواده های کارگری، جلسات مجمع عمومی و دهها شکل دیگر از کار سازمانیافته و متشکل، به امر سازماندهی مربوط است و مبارزات روزمره در جامعه به آن نیاز دارد. در غیاب شکل دادن و سازماندهی کردن این ابعاد از فعالیت، حرکت و مبارزه حتی وسیع و گسترده هم باشد از جانب دولت و کارفرمایان قابل برهم زدن و متفرق کردن است. جنبشهای اعتراضی موجود در جامعه که در یک پروسه انقلابی بسر می برند باید متشکل و سازمانیافته عمل کنند. در سطح عمومی تری اگر نگاه کنیم، تشکل و سازماندهی در محلات شهرها نیز یکی از اهمیهای بسیار مهم در مبارزه بر علیه رژیم اسلامی است. طی یک سال گذشته و در جریان حرکتهای خیابانی و در موارد بیشماری ما شاهد متلاشی شدن نیروهای سرکوبگر توسط مردم و جوانان در محلات بودیم که سران حکومت کابوس مرگ خود را در آن می دیدند و این موفقیتها ناشی از درجه ای از کار سازمانیافته در محلات است.

منصور فرزند: به تشکل در محلات اشاره کردید چه تشکلهایی را میتوان در محلات بوجود آورد و این تشکلهای چه کارهایی می توانند انجام دهند؟

عبدل گلپریان: تشکل و امر سازماندهی مبارزات در محلات پدیده تازه ای نیست. همانگونه که در پاسخ به سؤال قبل اشاره کردم متشکل شدن بخشهای مختلف مردم در امر مبارزه ای که پیش رو دارند، یک نیاز و یک ضرورت عینی و اجتماعی است. به متشکل بودن

نیاز داریم برای اینکه به حقوق پایمال شده و از دست رفته خود برسیم، به متشکل بودن و سازمانیافتگی نیاز داریم چون می خواهیم دشمن تا دندان مسلح را با قدرت اتحاد و همبستگی خود عقب بزینم و از سر راه برداریم.

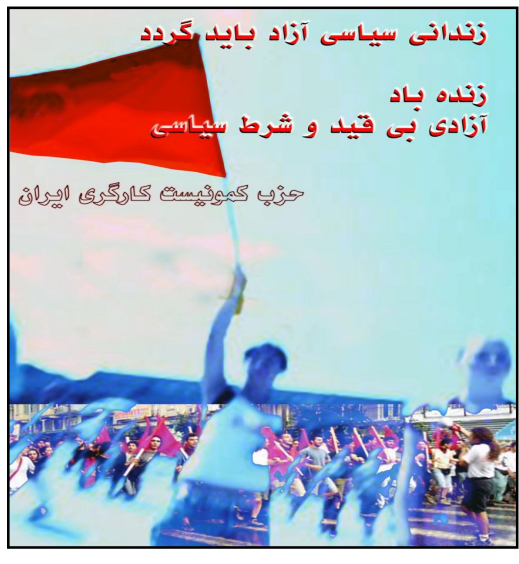
محلات همیشه کانون مبارزه مردم بوده است. یک رابطه وسیع و گسترده در محلات دانشا وجود داشته و دارد. همبستگی و اتحاد مردم در یک محله بطور واقعی پدیده داده شده ای است. گویی خانواده ای صد، دویست نفره و یا بیشتر می خواهند از تعرض در امان باشند و یا فلاکتی را که نهادها و سرکوبگران حکومتی به ما مردم تحمیل کرده اند از گردن خود باز کنیم. از این رو جمعیت ساکن در یک محله را باید متشکل و سازمانیافته کرد آنهم بگونه ای که این کار به یک ستون پایه ای در محلات تبدیل شود. این روزها در هر جایی از ایران اعتراض و مبارزه علیه حکومت در جریان است. از تظاهراتهای خیابانی گرفته تا حرکتهای شبانه و تجمعات موضعی در محلات، از کوتاه کردن تعرض مزدوران رژیم به زنان و جوانان گرفته تا پخش شب نامه و شعار نویسی، همگی به تشکل و سازمان نیاز دارد. برای این منظور در هر محله ای کسانی وجود دارند که نه تنها جلو تر از بقیه پا پیش می گزارند بلکه همین طیف از افراد در محلات از اعتبار و اتوریته سیاسی، اجتماعی و معنوی برخوردار هستند. این طیف کسانی هستند که بقیه روی حرف و عمل شان حساب می کنند. دارای نفوذ کلام هستند، مدافع پیگیر خواست و مطالبات بقیه هستند. در مراکز کارگری به اینها می گویند فعالین و رهبران کارگری، سخنران و مبلغ هستند. در محلات نیز این شخصیتها نقش فعالین و رهبران محل را ایفا می کنند. کار اینها امری دیکته شده و کتابی نیست بلکه در کوران زندگی اجتماعی و طبیعی در سطح شهر یا محله به چنین شخصیتهایی تبدیل شده اند. این افراد نقش مهمی در متحد و متشکل کردن ساکنین یک یا چند محله را می توانند بر عهده داشته باشند. جمع این فعالین می توانند با تقسیم کار در میان دیگران، امر سازماندهی را به پیش ببرند. فعالین

## بیست ژوئن در سراسر جهان ...

از صفحه ۱

برای آزادی زندانیان سیاسی و احزاب و نهادهای متعدد دیگر در بیش از چهل شهر جهان میتینگهای اعتراضی سازمان داده شده است. بیایید دست به دست هم بدهیم و ابعاد این حرکت را هرچه بیشتر گسترش دهیم. بیایید تا با تمام قوا به دفاع از زندانیان سیاسی برخیزیم و خواهان آزادی فوری آنها و پایان دادن به اعدام و شکنجه و سنگسار شویم.

ما از همه کسانی که در کمپین گسترده و جهانی دفاع از سکینه محمدی آشتیانی در سراسر جهان به خیابان رفتند و به اشکال مختلف علیه حکومت



مدافعین حقوق کودک و غیره می توانند در تشکل محلات سازماندهی شوند.

بخش کارگر و زحمتکش که اکثریت جامعه را تشکیل میدهند بمنظور بهبود شرایط زندگی و مبارزه با مشکلاتی که هر روزه در مقابل آنها قرار دارد بطور طبیعی در کنار هم قرار میگیرند و تشکل و سازماندهی مردم حتی در دوره هایی که حکومت نظامی برقرار است بدرجاتی وجود دارد. مردم در محل کار و زیست بدون تشکل نیستند و همواره کسانی هستند که بعنوان افراد پیشرو در جریان مبارزات روزمره نقش و تاثیر داشته اند و از طرف اهل محل قابل احترام

محلات یا فعالین عرصه های مختلف اجتماعی در دل توده اهالی قرار دارند و از این رو گروه یا دسته خاصی که می خواهد مخفیانه کارهای خاصی انجام دهد نیستند. به همین خاطر چون بودن و موضوعیت آنها بر بستر درد و رنج بقیه قابل تعریف است لذا از امنیت اجتماعی و توده ای در میان مردم محل برخوردار هستند. ساختن تشکل در محلات نسخه از قبل داده شده ای ندارد. بطور روزمره دنیایی درد و مشکلات را حکومت به مردم تحمیل کرده است. می توان بر این اساس انواع تشکلها را سازمان داد. تعدادی را می توان در ارتباط با محلات دیگر سازمان داد. از تشکل زنان گرفته تا جمعای جوانان، تا

از صفحه ۲ در باره شکل و ...

## بار دیگر صدای کارگران ایران ...

از صفحه ۱

بگیرد. در ۵ سال گذشته، فعالین حزب کمونیست کارگری ایران علی‌رغم موانعی که برگزار کنندگان کنفرانس ایجاد میکنند در سالن کنفرانس و پشت تریبون قرار گرفتند تا صدای اعتراض کارگران و مردم ایران را به حضور نمایندگان حکومت جنایتکار اسلامی اعلام کنند. امسال سدهای امنیتی را بسیار بیشتر کرده کردند. علی‌رغم این تیمی از فعالین حزب کمونیست کارگری وارد سالن شدند. بهرام سروش در حالیکه پوستر بزرگی از کارگران زندانی در ایران را در دست داشت، در کنار سومایا رئیس سازمان جهانی کار که پشت تریبون اصلی مشغول سخنرانی بود قرار گرفت و شروع به شعار دادن به زبان انگلیسی کرد: جمهوری اسلامی را از سازمان جهانی کار اخراج کنید! مرگ بر جمهوری اسلامی! کارگران زندانی باید فوراً آزاد شوند! سومایا سخنرانی خود را قطع کرد و شعارهای بهرام سروش از پشت میکروفون کل سالن را تحت تاثیر قرار داد. دقایقی بعد ماموران بهرام سروش را به بیرون سالن بردند. بهرام سروش خواهان صحبت با یکی از مقامات آی ال او شد و به او گفت فعالین کارگری در ایران زنداند و کسانی که آنها را زندانی کرده اند در کنفرانس سازمان جهانی کار حضور دارند و این برای این سازمان شرم آور است. همزمان تیم دیگری از حزب

بیبندیشند. به نظر من این گامها برداشته شده است و در چند سال اخیر ما شاهد جهت گیری فعالین کارگری در این راستا بوده ایم. قطعنامه های ده تشکیل کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر، ارتباط نزدیک تشکلهای موجود کارگری در سطح کشور، نامه های حمایتی از اعتراض، اعتصاب و مبارزات همدیگر و دهها نمونه از این نوع و فراتر از این اعلام پشتیبانی اتحادیه های کارگری در سطح بین المللی از کارگران ایران و بلعکس نیز یک همسرنوشتی طبقاتی جهانی را ایجاد کرده است. به طبع آنچه که اشاره کردم باید بگویم که رابطه خوبی مابین فعالین کارگری در شهرهای کردستان و دیگر شهرها برقرار است. در مجموع باید گفت که مسایل و مشکلات کارگران در سطح سراسری، به همه کارگران، خانواده های آنان و رهبران کارگری در هر شهر و هر کارخانه ای مربوط است. برای جنبش کارگری هیچ مرز و محدوده محلی و غیره معنی ندارد. قطعنامه های صادره در اول ماه گویای این حقیقت است. طبیعی است که فعالین و رهبران عملی در سطح شهر و سراسری با هم در ارتباط باشند زیرا که شرایط کار و زندگی سخت توده کارگر و کل مردم، هم سرنوشت بودن آنها، انگیزه اتحاد و قدرتمند تر شدن را بوجود می آورد و بدون مشورت و کمک متقابل فعالیت آنها موثر واقع نمیشود. این هم یک ضرورت و یک نیاز واقعی و عینی در مبارزه طبقاتی است.

منصور فرزند: فعالین و رهبران عملی انگیزه شدیدی به شکل دادن به تشکلهای سراسری دارند این امر تا چه حد با واقعیت منطبق است رابطه فعالین در شهرهای کردستان و شهرهای دیگر چگونه است؟

منصور فرزند: جمهوری اسلامی تا چه حد قادر است تشکلهای محلات را از بین ببرد و یا آنرا در جهت اهداف مورد نظر خود منحرف کند؟

منصور فرزند: جمهوری اسلامی تا چه حد قادر است تشکلهای محلات را از بین ببرد و یا آنرا در جهت اهداف مورد نظر خود منحرف کند؟

منصور فرزند: فعالین و رهبران عملی انگیزه شدیدی به شکل دادن به تشکلهای سراسری دارند این امر تا چه حد با واقعیت منطبق است رابطه فعالین در شهرهای کردستان و شهرهای دیگر چگونه است؟

منصور فرزند: فعالین و رهبران عملی انگیزه شدیدی به شکل دادن به تشکلهای سراسری دارند این امر تا چه حد با واقعیت منطبق است رابطه فعالین در شهرهای کردستان و شهرهای دیگر چگونه است؟

منصور فرزند: جمهوری اسلامی تا چه حد قادر است تشکلهای محلات را از بین ببرد و یا آنرا در جهت اهداف مورد نظر خود منحرف کند؟

عبدل گلپریان: محلات را نمی توان با هیچ معیار و اندازه گیری خاصی از هم تفکیک کرد. در واقع محلات یک شهر بهمیدیگر وصل هستند و همین امر کار وسیع و توده ای را آسانتر می کند. مکانیزمهای طبیعی و داده شده به آسانی قابل از بین بردن نیستند. از این رو همه محلات می توانند ارتباطی منظم با هم داشته باشند و همچون زنجیر بهمیدیگر وصل شوند و با تجمعهای موضعی، با سر دادن شعار علیه حضور سرکوبگران در محلات، با شعار نویسی بر در و دیوار می توان فضای محله را در دست گرفت. در شرایط انقلابی فعلی جوانان در محلات می توانند در ارتباط نزدیکی که با هم دارند عرصه را بر مزدوران مستقر در سر چهار راههای محلات تنگ کنند. با این کار هم نیروهای حکومت را فرسوده می کنند و هم امنیت بیشتری بر محله حاکم می شود. علی‌رغم اینها باید فعالین عرصه های مختلف و تشکل محلات بشدت هوشیار باشند که این هیولای در حال مرگ نتواند زخمی در دل مبارزات مردم ایجاد کند. جمهوری اسلامی در طول عمر ننگینش کاری بجز سرکوب، تفرقه و هر گونه جنایتی علیه میلیونها مردم ستمیده را نداشته است. اما کار از این حرفها گذشته است. این رژیم ریش و پشمش ریخته است. در خیابانها و محلات تهران و شهرستانها نیروهای سرکوبگرش توسط جوانان و مردم بارها گوشمالی داده شدند، اکنون جوانان محلات تجارب گرانبهایی را در یکسال گذشته بدست آورده اند. در شهرهای کردستان تجارب و زمینه برای متشکل و سازمانیافته فعالیت کردن در محلات بسیار بیشتر است. در مورد کار سازمانیافته در محلات و برای آگاهی نسل جوان امروز حتما در شماره های بعدی ایسکرا بیشتر خواهیم گفت.

\*\*\*

بهاران در سنج به دست پدرش در خواب کشته شد. به گفته منابع موثق، دلیل حادثه باردار شدن سمیه در جریان یک رابطه دوستی بوده که پس از مراجعه به پزشک و حصول اطمینان از طرف خانواده، پدر وی نیمه

\*\*\*

بهاران در سنج به دست پدرش در خواب کشته شد. به گفته منابع موثق، دلیل حادثه باردار شدن سمیه در جریان یک رابطه دوستی بوده که پس از مراجعه به پزشک و حصول اطمینان از طرف خانواده، پدر وی نیمه

## قتل یک دختر ۱۵ ساله به دست پدرش در سنج

دختر جوانی به نام سمیه در سنج، توسط پدرش به قتل رسید.

طبق اخبار رسیده، طی روزهای اخیر دختر جوانی در منطقه

آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۱ ژوئن ۲۰۱۱ ۱۱ خرداد ۱۳۹۰





## کارگران کمونیست چه میگویند

### منصور حکمت

اوضاع سیاسی جامعه، جدال احزاب سیاسی و کل تاریخ معاصر جامعه، گرایش‌ها و جریان‌ها گوناگونی را در درون طبقه کارگر شکل می‌دهند. آنارشیزم، رفرمیسم، سندیالیسم، ناسیونالیسم و غیره همه بر طبقه کارگر تاثیر می‌گذارند و قطب‌بندی‌هایی را در درون جنبش کارگری بوجود می‌آورند. بنابراین

در ترسیم سیمای سیاسی و مبارزاتی کارگران کمونیست و کمونیسم کارگری بسیار ضروری است که تفاوت‌های گرایش کمونیستی و رادیکال با سایر گرایش‌ها نیز مشخص بشود. اینجا دیگر تفاوت‌ها نه فقط در آرمانها و دورنماها بلکه در فعالیت و مبارزه هر روزه، در شعارها و تاکتیک‌های مبارزاتی، در مطالبات سیاسی و اقتصادی، در روش‌های مبارزه، در موضعگیری نسبت به مسائل گریه جنبش کارگری و غیره معنی پیدا میکند.

در طول سالهای اخیر، بویژه در بحث مربوط به سیاست سازماندهی حزب در درون طبقه کارگر، ما به کرات از گرایش رادیکال- سوسیالیست در جنبش کارگری سخن گفتیم. ما بر این تاکید کرده‌ایم که شکل دادن به یک حزب کمونیستی کارگری و قدرتمند در گرو سازمان دادن و متحد کردن و تقویت این گرایش در درون طبقه کارگر است. یک جزء این مبارزه، همانطور که قبلا هم گفتیم، تلاش برای خود آگاه کردن این طیف کارگران و تبدیل کردن آنها به یک جریان زنده مبارزاتی است که تفاوت‌های خود را با سایر گرایش‌ها در درون طبقه به روشنی می‌شناسد و شعارها و تاکتیک‌های خود در جنبش کارگری را به روشنی معلوم کرده است.

سلسله برنامه‌هایی که از این پس هر هفته تحت عنوان عمومی "کارگران کمونیست چه میگویند" پخش خواهد شد، همین هدف را دنبال میکند. در این برنامه‌ها، که شامل گفتارها، مصاحبه‌ها، پخش نوار سمینارهای حزبی و غیره خواهد

کمونیستها" می‌گذارد. اما در واقع توطئه‌ای در کار نیست. کمونیسم یک سنت مبارزاتی در درون خود طبقه کارگر است. طیف قابل توجهی از خود کارگران. خود همان‌ها که مزد می‌گیرند و کار میکنند و حاصل کارشان کیسه سرمایه‌داران را پر میکنند، کمونیستند.

در سطح عمومی کمونیسم آن گرایشی در جنبش کارگری است که تحت هر شرایطی اتحاد کارگران را دنبال میکند. اساس محرومیت‌ها و مشقات طبقه کارگر، یعنی نظام سرمایه‌داری و مالکیت بورژوازی را افشاء میکند. در هر دقیقه مبارزه طبقه کارگر حضور دارد و در عین حال افق عمومی انقلاب کارگری را در برابر کارگران قرار میدهد. در مبارزه هر بخش طبقه فعال است و در عین حال منفعت کل طبقه را خاطر نشان می‌سازد. این آن جریان‌ی است که می‌خواهد کل بردگی مزدی و کل قدرت سرمایه را از میان بردارد و کارگران را برای ایفای این نقش آماده میکند. اگر بورژوازی یک روز سرنیزه را از روی گلولی کارگران بردارد همه خواهند دید که چگونه هزاران و هزاران کارگر همین‌ها را با صراحت و فصاحت خیره کننده‌ای از روی چارپایه‌ها خواهند گفت. اما برای دیدن دامنه این کمونیسم زنده کارگری حتی لازم نیست آن روز بیاید. سوسیالیسمی که عمیقا در درون طبقه کارگر ریشه دوانده همین امروز در شیوه و زبانی که توده‌های کارگر و رهبران‌شان در جزئی‌ترین اعتراض‌شان بکار می‌برند به روشنی منعکس است.

کمونیسم یک گرایش زنده و پرنفوذ کارگری است که بخش وسیعی از رهبران عملی و رهبران جنبش اعتراض‌ها را با خود دارد بدون اینکه اینها لزوماً اعضای سازمانهای کمونیست باشند. اما این تنها گرایش درون طبقه کارگر نیست. طبقه کارگر و جنبش کارگرا قانون گرایش‌ها سیاسی و مبارزاتی متعددی است. اوضاع و احوال و مسائل اقتصادی طبقه کارگر،

هجدهم و اوائل قرن نوزدهم شکل گرفت و بوجود آمد. اساس این کمونیسم کارگری، که آنرا از تمامی مکتب و جریان‌ها شبه سوسیالیستی طبقات دارا در زمان خود متمایز می‌ساخت، هویت کارگری آن و اعتراض آن به مالکیت بورژوازی بر وسائل تولید بعنوان علت‌العلل مشقات توده‌های کارگر بود. در زمان انتشار مانیفست کمونیست توسط مارکس و انگلس در سال ۱۸۴۸ کمونیسم کارگری فی‌الحال یک جریان زنده مبارزاتی و اعتراضی بود. مانیفست کمونیست نام خود را دقیقاً از این جنبش کمونیستی کارگری گرفت. مارکسیسم این جنبش اجتماعی را به یک انتقاد عمیق از جامعه سرمایه‌داری و به درک روشنی از دورنمای انقلاب کارگری مسلح ساخت. مارکسیسم به سرعت به تئوری و جهان‌نگری این صف اجتماعی و به پرچم کمونیسم کارگری تبدیل شد. تحت پرچم مارکسیسم، کمونیسم کارگری به یک قدرت عظیم در صحنه سیاسی تبدیل شد که فعالیتهای بین‌المللی کارگری و انقلاب کارگری روسیه در ۱۹۱۷ جلوه‌هایی از آن بودند.

این کمونیسم کارگری دیگر به جزء لاینفک جنبش کارگری در تمام کشورهای سرمایه‌داری تبدیل شده. هر جا اعتراض کارگری در جریان است بورژوا فوراً شامه‌اش برای پیدا کردن کمونیستها تیز میشود. هر جا اسمی از مارکسیسم بمیان می‌آید، حتی اگر این مارکسیسم، مارکسیسم نیم بند روشنفکران خود طبقه حاکم باشد، بورژوازی اول دور کارخانه‌هایش حصار امنیتی میکشد و دستش را روی گوش کارگران می‌گذارد. با این همه باز شاهد اینست که تا اعتراض کارگری بالا می‌گیرد زمزمه مرگ بر سرمایه‌داری و زنده باد حکومت کارگری در میان کارگران بلند میشود. هر کارگری که به فکر تغییر اوضاع خودش و طبقه‌اش می‌افتد، فوراً دنبال کتاب و جزوه مارکس و لنین میگردد. بورژوازی اینها را به حساب "توطئه و تحریک



تصورات دارند. فرقه قلمداد کردن کمونیسم گام اول در سرکوب کردن آن است. اما، درست به دلیل اینکه کمونیسم یک فرقه نیست بلکه جنبش عظیم اجتماعی است که از بطن و متن جامعه سرمایه‌داری مایه می‌گیرد، تلاشهای دولتهای عظیم و تا دندان مسلح بورژوازی در طول دهها سال هنوز هم قادر به سرکوب این به اصطلاح "فرقه" نشده است و هنوز هم مقابله با کمونیسم معضل اصلی سرمایه‌دار و جامعه سرمایه‌داری است. بی خود نیست که هر چاقوکش و چماقدار این طبقه که مسئولیت سازماندهی دولت بورژوازی را بر عهده می‌گیرد، اعم از اینکه قپه روی دوشش چسبانده باشد، عمامه سرش گذاشته باشند یا کراوات به گردنش بسته باشند، فوراً بعنوان متخصص مبارزه با کمونیسم قد علم میکند و شلنگ تخته میاندازد.

کمونیسم یک گرایش اجتماعی است، درست نظیر ناسیونالیسم و لیبرالیسم و غیره، که دائماً در درون خود جامعه شکل می‌گیرد و باز تولید میشود. پایه و کانون پیدایش و رشد کمونیسم، طبقه کارگر و مبارزه تعطیل ناپذیر این طبقه علیه سرمایه‌داری و اوضاع مشقت‌باری است که این نظام به زحمتکشانی که اکثریت عظیم جامعه را تشکیل میدهند تحمیل میکند. کمونیسم مکتبی نیست که توسط مارکس و انگلس ابداع شده باشد. از نظر تاریخی کمونیسم، بعنوان یک جریان اعتراضی کارگران، مقدم بر مارکسیسم در اروپای اواخر قرن

این نوشته برای اولین بار تحت عنوان "معرفی یکی از برنامه‌های رادیو صدای حزب کمونیست ایران" پخش گردید و بعداً در نشریه کمونیست ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران، سال ششم شماره ۵۳ شهریور ماه سال ۱۳۶۸ منتشر شد.

کمونیست شماره ۵۳ شهریور ماه ۱۳۶۸

کمونیست‌ها چه کسانی‌اند و چه میگویند؟ خیلی در پاسخ به این سؤال احزاب و گروه‌های سیاسی را نشان میدهند که رسماً خودشان را کمونیست مینامند و به این نام فعالیت میکنند.

جالب اینجاست که اگر از خود این احزاب هم پرسید خیلی از آنها هم همین پاسخ را به شما میدهند. به تصور اینها کمونیسم یک فرقه ایدئولوژیک و سیاسی است که گروه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد و کمونیست‌ها اعضای این فرقه و این گروه هستند. سرمایه‌داران و دولتهایشان هم به این تصور فرقه‌ای از کمونیسم دامن می‌زنند. معنی عملی همه اینها این است که کمونیسم یک پدیده حاشیه‌ای در جامعه است. مردم عادی نمیتوانند کمونیست باشند. کمونیسم گرایشی در درون خود جامعه نیست بلکه مکتب و جنبش حزبی کسانی است که میخواهند عقاید و راه و رسم ویژه‌ای را تازه به درون جامعه ببرند.

خیلی روشن است که طبقات حاکم چه منفعتی در دامن زدن به این

## کارگران کمونیست

از صفحه ۴

بود، میکوشیم تا سیمای سیاسی و مبارزاتی کمونیسم کارگری و طیف کارگران سوسیالیست و رادیکال را در عرصه‌ها مختلف ترسیم کنیم. طیف وسیعی از مسائل، از میانی فکری این جریان تا تاکتیک‌های آن در جنبش کارگری در تمایز و در مقایسه با سایر گرایش‌ها و احزاب فعال در جنبش کارگری مورد بحث قرار خواهد گرفت. کارگران کمونیست در باره انقلاب و حکومت کارگری چه میگویند، موضع ما در قبال جمهوری اسلامی چیست و چه نوع حکومتی باید بر سر کار آید، در باره مبارزه اقتصادی، مبارزه برای اصلاحات و بهبودهای فوری چه میگوئیم، نظر ما در باره تشکلهای توده‌ای کارگری، شورا، سندیکا و مجمع عمومی صندوق‌های کارگری و غیره چیست. مبارزه قانونی و علنی چه جایگاهی برای کمونیسم کارگری دارد. در مبارزه بر سر قانون

کار چه میکنیم. با شوراهای اسلامی چه باید کرد، در باره بیمه بیکاری چه میگوئیم. جایگاه سازمانیابی حزبی برای کارگران کمونیست چیست و فعالیت حزبی به چه اشکالی سازمان مییابد. اتحاد عمل با سایر گرایش‌ها چه موازینی دارد. اینها و مسائل متعددی از این نوع موضوع بحث این سلسله برنامه‌ها خواهد بود.

هر برنامه به موضوع مستقلی خواهد پرداخت و به تنهایی کاملاً قابل استفاده خواهد بود. هر يك از برنامه‌ها بصورت مقالات و جزواتی در نشریات حزبی و بطور مجزا منتشر خواهد شد و باید به ابتکار رفقای حزبی در دستور بحث و مطالعه محافل کارگران مبارز قرار بگیرد.

\*\*\*

## سوسیالیسم راه نجات ما است!

۳۱ سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردرد شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند. سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند. کله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند. گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

**مرگ بر سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!**  
زنده باد سوسیالیسم!  
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

**اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار  
به انسان است.**

## وضعیت وخیم جسمانی یکی از فعالین اجتماعی در زندان سنندج

اما اکنون به گفته یکی از نزدیکان این زندانی سیاسی، اداره اطلاعات قروه قصد ایراد اعتراض مجدد به حکم حسین پناهی را دارد و پرونده جدیدی برای وی تشکیل داده‌اند. به گفته یکی از اعضا خانواده حسین پناهی در چند سال گذشته دستگاه اطلاعاتی به موازات کشته شدن اشرف حسین پناهی، برادر کوچکتر انور و افزایش فشارهای روانی بر دیگر برادر زندانی، افشین حسین پناهی برای گرفتن اعتراف رسانه‌ای، خواستار این است که همه اعضای این خانواده تعهد بدهند که دست از همه فعالیت‌های سیاسی و مدنی بربندند.

انور حسین پناهی فعالیت‌های خود را در زندان مرکزی سنندج نیز تاووم بخشیده و اقدام به تشکیل کلاس‌های مشاوره برای زندانیان کرده است که این موضوع نیز باعث بروز برخوردهایی با انور از سوی مقامات زندان شده که از آن جمله می‌توان به محدودیت ملاقات‌ها، قطع تماس‌های تلفنی و حبس در زندان انفرادی اشاره کرد.

## اعتصاب غذای سه زندانی سیاسی در زندان رجایی شهر

سه زندانی سیاسی زندان رجایی شهر در اعتراض به شرایط ناگواری که در میان زندانیان عادی با جرایمی همچون تجاوز به عنف، قتل و قاچاق مواد مخدر دارند از يك هفته پیش دست به اعتصاب غذا زده اند.

سه زندانی سیاسی به نامهای

انورحسین پناهی فعال سیاسی و اجتماعی که هم کنون در زندان مرکزی سنندج به سر می‌برد، به شدت دچار خونریزی و عفونت کلیه شده و فوراً باید به بیمارستان انتقال داده شود. انور، هنگامی که در بازداشتگاه اطلاعات شهر قروه بسر می‌برد از ناحیه دنده دچار شکستگی شد و مدت سه سال است که دچار عفونت کلیه و روده شده که همواره از سوی مسئولین زندان مورد بی توجهی قرار گرفته است. چندین بار به بهداری زندان منتقل شده که پزشک بهداری زندان به وی گفته باید به بیمارستان منتقل و بستری شود که این درخواست از طرف مسئولین زندان رد شده و مجدداً به داخل بند منتقل شده است.

از سوی دیگر انور حسین پناهی که چندی پیش از سوی دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شده بود اکنون در آستانه‌ی پرونده‌سازی و ایراد اتهامات جدید از سوی اداره اطلاعات قرار گرفته است.

انور حسین پناهی در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۱۵ از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و مدت ۶ ماه را در بی خبری مطلق در اداره اطلاعات قروه در بازداشت به سر برد.

مدتی بعد پس از تلاش های فراوان وکیل و خانواده اش و نیز بعد از اعتراض سازمان‌های بین المللی مدافع حقوق بشر، حکم اعدام وی به ۱۶ سال زندان تقلیل پیدا کرد

النور خضری، کامران شیخی و سید ابراهیم سیدی که پیش از این در بند ۳۵۰ زندان اوین نگهداری می‌شدند در حالی به صورت غیر قانونی به زندان رجایی شهر منتقل شدند که حتی حقوق اولیه آنان نیز رعایت نمی‌شود.

آنها به مدت ۵۰ روز در بند قرنطینه زندان رجایی شهر نگهداری شدند، جایی با امکانات بسیار نامناسب بهداشتی و رفاهی که معمولاً زندانیان در ابتدای ورودشان به زندان به مدت يك روز در آن به سر می‌برند تا عدم اعتیادشان به مواد مخدر مشخص شود.

پس از آن هم به جای آنکه به بند زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر منتقل شوند به اندرگاه ۶ زندان رجایی شهر فرستاده شدند. جایی با امکانات بسیار محدود بهداشتی و رفاهی.

آنها هم اکنون با زندانیانی با جرایم خطرناک که به بیماری های سخت و واگیر دار مبتلا هستند هم بند شده اند و شرایط بسیار دشواری را می‌گذرانند. این در حالی است که طبق اصل تفکیک جرایم این زندانیان باید در میان زندانیان سیاسی که جرایمی مشابه دارند نگهداری شوند.

خانواده و نزدیکان این سه زندانی به شدت نگران وضعیت جسمی و روحی این سه زندانی هستند که از کوچکترین حقوق يك زندانی هم محروم هستند.

این سه زندانی خواستار آن هستند که هر چه زودتر به بند زندانیان سیاسی منتقل شوند.

\*\*\*

## رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،  
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،  
به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

## منصور اسانلو از زندان آزاد شد



بنا بر گزارش منتشر شده از سوی فدراسیون جهانی کارگران ترانسپورت "آی تی اف" امروز ۱۲ خرداد منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای واحد، از زندان آزاد شد. آزادی منصور اسانلو را به خانواده وی، به سندیکای شرکت واحد و به همه انسانهای آزادیخواه تبریک میگوییم. منصور اسانلو در تیر ماه سال ۸۶ دستگیر و به جرم اعتصابات با شکوه کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ و تلاش این کارگران برای

ایجاد سندیکای واحد، به ۵ سال زندان محکوم شده بود. او همچنین در محاکمه ای دوباره با اتهام تبلیغ علیه نظام به یکسال حبس تعزیری بیشتر محکوم شد. او طی مدت ۴ سال بازداشت خود در زندان همواره زیر فشار جسمی و روحی دائمی قرار داشت و از بیماری های مختلفی چون بیماری قلبی، کمر درد و نارحتی چشم رنج میبرد. با وجودیکه کمیسیون پزشکی رژیم در گزارش خود رای بر آزادی منصور اسانلو داده بود و با وجودیکه سه رگ قلب او مسدود و دوبار در زندان دچار حمله قلبی شده بود، اما جانینان اسلامی وی را همچنان در زندان نگاهداشتند. اکنون منصور اسانلو زیر فشار کمپینی جهانی و پیگیری های خانواده اش به قید وثیقه از زندان آزاد شده است. آزادی منصور اسانلو یک موفقیت

بزرگ است که راه را برای ادامه اعتراضات ما برای آزاد کردن همه کارگران زندانی از زندان باز میکند. با تمام قوا برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی از زندان تلاش کنیم.

هم اکنون ابراهیم مددی، رضا شهابی، از کارگران شرکت واحد، رضا رخشان رئیس هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه و بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک در زندان بسر میبرند. تمام کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای کارگران زندانی و همه فعالین سیاسی باید لغو شود.

کمپین برای آزادی  
کارگران زندانی  
۱۲ خرداد ۱۳۹۰  
۲ ژوئن ۲۰۱۱

[Shahla\\_daneshfar@yahoo.com](mailto:Shahla_daneshfar@yahoo.com)  
[Bahram.Soroush@gmail.com](mailto:Bahram.Soroush@gmail.com)

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

## سوئد:

Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

## آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

## کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

## هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

## آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrsswift code : BOFAUS

## شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

## از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

## کانادا و آمریکا:

فانتج بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

## از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com



مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!